



از سیستم پانزی به نام درآمد دلاری چه می‌دانیم؟ آیا با یک مجموعه فراهرمی طرف هستیم؟

دام بزرگ کلاهبرداران پیچیده در غرب کشور

صفحه ۱۶



بخش مهمی از میراث تاریخی ایران که در سال‌های پیش از انقلاب از ایران خارج شده بود، با رایزنی‌ها به کشور بازگشت

به جای پهلوی میراث کوروش برگشت!

صفحه ۲



تئانیاهو که همچنان درگیر اعتراضات داخلی است ناخواسته اعتراف کرد
ایران در برابر آنها به بازدارندگی کامل رسیده

نقاشی ۲۰۲۳

طراح: ارشد فروغی، آفرهستانکار | ۱۲

چرا داشتن سوبه‌های انتقادی دیوارنگاره‌ها باید تحمل شود؟

نقد درون‌گفتمانی روی ییلبورده

۱۲

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

رویکرد وزارت علوم در حمایت از نشریات علمی تبعیض‌آمیز است

۵،۱۴

درباره حواشی ماجرای دانشکده علوم اجتماعی که ادامه دارد

پای ایران و قانون بایستید

۱

سرقلی‌هایی به اسم فصلنامه علمی پژوهشی

یادداشت ۲-

کیفیت کاربرد در قباله‌های، که به راستی اگر کارآمدی داشت و مؤثر و راهگشا بود اوضاع کشور به این گونه نبود. این طولانی شدن روند دفاع دانشجوی بنابر ضرورت انتشار مقاله به نفع کیست، جز اینکه بر حجم مقالات اساتید راهنما و مشاور می‌افزاید؟ و آیا به راستی اساتید ما با این حجم از مقاله در مقایسه با آنتونی گیدنز که ۲۵ سال برای نگارش یک کتابش زمان صرف کرده بود و... اصلان مسئول رده بالای کشور در صورت اسنادی که کم هم بدست و با دیگر کنند. طبیعی است هم دانشجویان و هم اساتید به خوبی آگاهند که عمده فصلنامه‌ها در دست افراد، دانشگاه‌ها و موسسات با مجوز رسمی از وزارت علوم محلی برای تولید فساد علمی، رانت و انواع باج‌ها در فضای غیرآزاد تولید دانش و علم هستند. آنجا که قانونی وضع شود و ارائه گواهی پذیرش یا انتشار مقاله را برای دفاع از رساله اجباری کند، اساتید را براساس شمار مقاله ارتقا دهند و رتبه‌بندی کنند و داوطلب ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر را با کمیت آن بستند و نمره دهند، قاعدتاً تولید شدن اغلب آنها و حذف نسخه کاغذی، با پرداخت هزینه از سوی این حجم از نوشته تحت عنوان مقاله محلی ایده‌پردازی جدی و دغدغه‌مند نیست و نخواهد بود. این هم به شرط افزودن اسم اسنادی که اغلب کوچک‌ترین زحمتی را مصرف‌آن مقاله نکرده، همان‌گونه که در نگارش رساله و پایان‌نامه آن راسبازی از ما شاهد بودیم. آیا تاکنون دیده‌اید سرفقلی در دکان علمی پژوهشی یا اسنادی به این روند فسادزاد تولید و انتشار اجباری اعتراض رسمی کند؟ اما مهم‌تر از همه، فصلنامه‌های علمی پژوهشی رونق فاجعه‌بار داوری است که آن هم در بیشتر فصلنامه‌ها به تاژگی و علی‌رغم الکترونیکی بودن، هم اساتید داوری می‌ماند، آن هم داوری‌هایی اغلب سلیقه‌ای و بدون معیارهای مشخص علمی که برای هر فصلنامه‌ای از زمین تا آسمان قاعده و قانون آن متفاوت است و از هیچ قانون جامع و استانداردی در این زمینه پیروی نمی‌کند؛ و ادواتی که چسبنا خود ضعف علمی و نقص دانشی دارند و در این حال سالانه دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ مقاله تولید کرده که منشر هم شده است؛ یا چه کذیبی اما؟ در بحث که به چالش کشیده شوند، دهان‌مان از تعجب باز می‌ماند که بالعجب! پس آن همه اثر علمی چه می‌گوید؟ همان

این روزها که تب‌وتاب تحول و تغییر در مسیر علمی کشور و فرآیندهای مربوط به آن از سوی مسئولان مختلف وزارت علوم اوج گرفته و برخی اساتید معزز دانشگاه به موازات شور فضا از پایدها و نیاید‌های تحول علمی می‌گویند، جالب و عجیب است که آمار مقالات منتشره کشور در فضایی که کشتی اندیشه و ایده‌پردازی سال‌هاست در ساحل عرصه علمی به گل نشسته، دستمایه نقد از سوی همین مسئولان عرصه علم قرار گرفته است. بی‌آنکه تلاشی جهت اصلاح این روند اشتباه انجام دهند و سعی در اصلاح قوانین دست‌وپاگیر کنند. طبیعی است هم دانشجویان و هم اساتید به خوبی آگاهند که عمده فصلنامه‌ها در دست افراد، دانشگاه‌ها و موسسات با مجوز رسمی از وزارت علوم محلی برای تولید فساد علمی، رانت و انواع باج‌ها در فضای غیرآزاد تولید دانش و علم هستند. آنجا که قانونی وضع شود و ارائه گواهی پذیرش یا انتشار مقاله را برای دفاع از رساله اجباری کند، اساتید را براساس شمار مقاله ارتقا دهند و رتبه‌بندی کنند و داوطلب ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر را با کمیت آن بستند و نمره دهند، قاعدتاً تولید شدن اغلب آنها و حذف نسخه کاغذی، با پرداخت هزینه از سوی این حجم از نوشته تحت عنوان مقاله محلی ایده‌پردازی جدی و دغدغه‌مند نیست و نخواهد بود. این هم به شرط افزودن اسم اسنادی که اغلب کوچک‌ترین زحمتی را مصرف‌آن مقاله نکرده، همان‌گونه که در نگارش رساله و پایان‌نامه آن راسبازی از ما شاهد بودیم. آیا تاکنون دیده‌اید سرفقلی در دکان علمی پژوهشی یا اسنادی به این روند فسادزاد تولید و انتشار اجباری اعتراض رسمی کند؟ اما مهم‌تر از همه، فصلنامه‌های علمی پژوهشی رونق فاجعه‌بار داوری است که آن هم در بیشتر فصلنامه‌ها به تاژگی و علی‌رغم الکترونیکی بودن، هم اساتید داوری می‌ماند، آن هم داوری‌هایی اغلب سلیقه‌ای و بدون معیارهای مشخص علمی که برای هر فصلنامه‌ای از زمین تا آسمان قاعده و قانون آن متفاوت است و از هیچ قانون جامع و استانداردی در این زمینه پیروی نمی‌کند؛ و ادواتی که چسبنا خود ضعف علمی و نقص دانشی دارند و در این حال سالانه دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ مقاله تولید کرده که منتشر هم شده است؛ یا چه کذیبی اما؟ در بحث که به چالش کشیده شوند، دهان‌مان از تعجب باز می‌ماند که بالعجب! پس آن همه اثر علمی چه می‌گوید؟ همان

با نقاب عدالت و عدالت‌خواهی به تقلیدی نمایشی از جریان چپ می‌پرداخت. او چه در جریان ارائه با شکل و شمایل خاص و چه حتی در نگارش پایان‌نامه با استفاده از کلمات ترک و کورد تلاش کرد تا هرآنچه را می‌تواند عرضه کند تا شاید این بار در صدایی آرام‌تر و با رنگ و لعابی علمی تجزیه‌طلبی را فریاد کند. این البته نه حرف یک خیزرنگار بلکه صحبت استاد داور همان جلسه است که در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفته بود: «این جلسه دفاع از حیث علمی، جلسه قابل قبولی نبود. نکتانم راهم در همان جلسه اعلام کردم. به خود خانم حسین‌زاده هم گفتم این پایان‌نامه بیش از اینکه متنی آکادمیک باشد، متنی ایدئولوژیک و بیانی‌های سیاسی است. مساله اصلی در آن پایان‌نامه این است که آنچه ذیل تجزیه‌طلبی در تاریخ ایران رخ داده با مفاهیم نوین تطهیر شده است.»

همبستگی ستودنی اساتید در دفاع از ایران

پس از رسانه‌ای شدن جلسه واکنش‌های مختلفی نسبت به آن صورت گرفته است اما بدون شک یکی از مهم‌ترین آنها نامه ۵۵ عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است که در آن تأکید شده بود «ایران بزرگ، محصول همگرایی و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام ایرانی است و ما جمهوری اسلامی را هویت جمعی ملت و طریقه عزت ایران می‌دانیم». امضاکنندگان این نامه «سلاطین مختلفی سیاسی حاضر در این دانشکده از اصلاح‌طلبانی چون حمیدرضا جلالی‌پور تا اصول‌گرایانی مثل حمید بازنسیان» اعلام کردند که «تلاش علوم اجتماعی نیز همواره در راستای اعتلای هویت ایرانی و اسلامی بوده است و حمایت از تجزیه‌طلبی و تروریسم، جایی در میان گفتار علمی ما ندارد». البته در این بین نام برخی اساتید مطرح این دانشکده چون تقی آزادارمکی و شادگردان یوسف‌آبادزی، که می‌توان از آنها به عنوان یک طیف شناخته‌شده در فضای دانشکده یاد کرد، دیده نمی‌شود.

تکلیف شبهات را روشن کنید

به جز وضعیت دانشجویی لیلا حسین‌زاده، نحوه هماهنگی جلسه دفاع از هم محل شبهه و سوال برده و توضیحات مختلف منتشر شده از جانب دانشگاه که ابهامات را بیشتر کرده است، جبار رحمانی، استاد انسان‌شناسی که به عنوان استاد داور در جلسه حضور داشته می‌گوید حضور من در این جلسه طبق روال دانشگاه بود.

روند برگزاری جلسات دفاع در دانشگاه‌ها و مشخص شدن اسامی داوران اتفاقی نیست که به سادگی یا توسط دانشجوی بیفکر، برگزار می‌شود. چنین جلسه‌ای اتفاقی نیست که با یک حضور ساده در دانشکده به بهانه پیگیری امور آموزشی افتاده باشد یا صرفاً یک ارائه تمرینی یا هر چیزی شبیه به این. اتفاق مشخصی در فضای دانشگاه تهران افتاده و به نظر می‌رسد به جای فراکتی توضیحات همراه با مستندات و برخورد با مخاطبان باید در دستورکار دانشگاه قرار گیرد نه اینکه صرفاً با بیان تعلیق موقت در عضو هیات علمی که مدل مشارکت آنها نیز محل بحث است، سعی در فیصله یافتن ماجرا داشته باشد. باید پای قانون ایستاد، همان‌گونه که باید پای ایران ماند.

پای ایران و قانون بایستید

یادداشت ۱-

انتشار کلیپ کوتاهی از یک اتفاق عجیب در دانشگاه تهران، توجه‌ها را در آستانه سال تحصیلی به سمت این دانشگاه - البته نه پردیس اصلی بلکه حوالی بزرگراه جلال و دانشکده علوم اجتماعی - جلب می‌کند. برای آنها که با فضای سیاسی دانشگاه‌ها آشنایی دارند چهره فرد ناآشنا نیست. آن زمان که شورای صغنی دانشگاه تهران به محفل برای دانشجویان به اصطلاح چپ تبدیل شده و محفل برای برگزاری تجمعات و اعتراضات سیاسی بود، لیلا حسین‌زاده یکی از افراد پای ثابت این اجتماعات بود. او با همین چپ‌گرایی کمی بعد از دل یک فضای مصلحتی دانشجویی به یک فعال سیاسی تبدیل شد تا رفته رفته پایش به رسانه‌های معاند هم باز شود. حسین‌زاده که این سال‌ها در مقطع ارشد رشته انسان‌شناسی مشغول به تحصیل بوده، چند مرتبه بازداشت و البته محکومیت را هم تجربه می‌کند؛ یک بار در سال ۹۶ به خاطر اجتماع و تباری علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام و بار دیگر در سال ۹۹. اما این بار بر سر زبان افغان اسمش نه به خاطر حواشی بازداشت یا اعلام حکم بلکه به دنبال تکمیل سناریوی بپه‌برداری سیاسی از فضای دانشگاه بود که با سوء مدیریت میسر هم شد.

حسین‌زاده دانشجو بود؟

وضعیت تحصیلی لیلا حسین‌زاده چیزی نیست که به این راحتی بشود نسبت به آن آگاهی یافت. او در نسخه‌ای از پایان‌نامه خود که اخیراً منتشر شده ادعا کرده باید تا پیش از ۳۰ شهریور دفاع می‌کرده در حالی که دانشگاه می‌گوید «براساس رأی کمیسیون موارد خاص دانشگاه مورخ ۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۲، این فرد به دو علت «انتمام سنوات مجاز تحصیل» و «عدم ثبت نام در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱» (نیمسال دوم پس از ورود به دانشگاه و نیمسال هفتم تحصیل) از تحصیل محروم شده است؛ بنابراین از آن تاریخ به بعد دانشجوی دانشگاه تهران محسوب نمی‌شود. اگرچه به ظاهر هم به نظر می‌رسد حسین‌زاده شرایط دانشجو بودن را ندارد اما این توضیح بدون انتشار مستندات بیشتر از آنکه مؤثر واقع شود، ابهامات را نسبت به وضعیت دانشجویی او افزایش می‌دهد.

تطهیر تجزیه‌طلبی با رنگ و لعاب علمی!

صرف نظر از وضعیت دانشجویی، عنوان پایان‌نامه و صحبت‌های او در جلسه موسوم به دفاع پایان‌نامه‌اش بیش از آنکه وزن علمی و شمه‌ای دانشگاه داشته باشد یک بیانیه سیاسی علیه موجودیت کشور محسوب می‌شود. حسین‌زاده در آغاز ارائه پایان‌نامه‌ای با عنوان «هویت ملی و هویت قومی در شهر معاصر ایرانی، مطالعه موردی نقره، اثرش را به دو چهره تجزیه‌طلب در دهه ۲۰ (قاضی محمد، بنیانگذار جمهوری مهاباد و جعفر پیشه‌وری، رئیس فرقه دمکرات آذربایجان) تقدیم می‌کند تا هم هویت، هم ملیت و هم قومیت را از معنی تهی کند. مثل ابامی که در فعالیت‌های مصلحتی دانشجویی

۷ نکته درباره آغاز سال تحصیلی

مهر ۱۴۰۲، دانشگاه زنده است

سرمقاله

در آستانه بازگشایی سال تحصیلی نو در دانشگاه‌ها نقاط مثبت و امیدآفرین در خصوص آموزش عالی کشور روشن‌تر از همیشه است و البته این روشنایی نباید موجب شوک کاستی‌ها و عیوب را به چشم بینیم.

۱- اصل دانشگاه و بر نشاط بودن آن امروز امیدوار است؛ هم از نظر کمی و هم از منظر کیفی دانشگاه ایرانی امروز سند افتخار است. کشورهای همسایه و رقیب منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای چند سالی می‌شود شبیه همین کاری را که در ورزش و فوتبال انجام داده‌اند و بحث برانگیز شده است در حوزه علم انجام داده‌اند؛ پول‌پاشی، خرید مقاله و... هدفشان چه بوده است؟ به جایگاه ایران در حوزه علم برسند، فارغ از اینکه آنها در این مسیر موفق بوده‌اند یا نه، اصل اینکه نقطه رقابت در منطقه آنجاست که ایران قرار دارد قابل‌تامل و مذاقه است. ۲- کمیت حضور دانشجو در ایران نقطه امیدبخش و مهم دیگری است، در برخی نخله‌های علم مدیریت مهم‌ترین مزیت یک سازمان یا مجموعه برای پیشرفت را نیروی انسانی می‌دانند. حضور خیل عظیم دانشجویان متخصص ظرفیتی بزرگ برای توسعه است که کمتر کشوری در اختیار دارد. اینکه طراحی و نقشه‌ها برای توسعه چه نسبتی با این ظرفیت عظیم دارد، سوال مهمی است که در جای خود مسئولان باید به آن پاسخ دهند و استفاده نکردن از این ظرفیت به‌مثابه مسافرکشی یا خودرویی پوروشه است. این ظرفیت عظیم با آمار و ارقام توسعه‌ای کشور همخوانی ندارد، اما اینها باعث نمی‌شود اصل این ظرفیت را ندیده بگیریم.

۳- در یک فضای پویا رشد اتفاق می‌افتد. کنشگری اجتماعی و سیاسی در دانشگاه لازمه یک دانشگاه پویاست، پذیرش تکرار در چهارچوب قانون، کنشگری آرمان‌گرایانه و متعهدانه، ترویج روح پرسشگری، مزوج با اخلاق علمی موجب توسعه دانی محور کشور می‌شود. رسیدن به چنین ترکیبی یعنی بازگشت به عقلانیت و دوری از زادکالیسم. این همان چیزی است که دشمنان ایران نمی‌خواهند، رونق عقلانی دانشگاه ایرانی یعنی برهم خوردن نقشه دشمن.

۴- ریشه عمومی اسنادی دانشگاهی کشور، متخصص توانمند، متعهد، مسلمان و ایران‌دوست است، رشد کمی و کیفی دانشگاه بدون داشتن چنین بدنه‌ای ممکن نبوده و نیست، تغییر و تحول در بدنه اسنادی امری اجتناب‌ناپذیر است - البته همه آموشد‌ها در دانشگاه‌ها باید بر مدار قانون باشند - باید منطق و استدلالی قابل توضیح برای افکار عمومی داشته و از سلیقه‌گرایی و باندا بازی دور باشد. نکته دیگر این است که پیشرفت و موفقیت علمی اتفاقی نیست، بدنه هیات علمی کشور امروز سوال‌ها و دغدغه‌های معیشتی جدی دارند، حضور جدی رقیب منطقه‌ای در عرصه تولید دانش باید یک زنگ هشدار جدی برای ما باشد.

۵- همان‌طور که ایران ستیزی خط کفری و عملیاتی رسانه‌های معارض علیه ایران و دانشگاه ایرانی است، تقویت ایران در نظر و عمل باید ایده دانشگاه باشد در این وسط هر کوشش شبه علمی به نفع تجزیه‌طلبی و ضدیت با ایران باید محل ایراد جامعه دانشگاهی و روشنفکری ایران باشد، بروز اقداماتی از این دست هرچند محدود و حداقلی باید به شکل جدی محل‌تامل و زیرعلاقت سوال قرار گیرد که در کجای علوم انسانی مسیر را اشتباه آمده‌ایم که به این نقطه رسیده‌ایم؟

۶- همان‌گونه که راهپیمایی اربعین و حضور افشار گوناگون در آن مثال نقض مهمی بر تئوری جهانی‌سازی لذت‌گرایی و اومانیزم است، فعالیت‌های دانشجویی انقلابی و مذهبی اعم از هیات‌های پرشور، اردوهای جهادی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌ها و کانون‌ها و... نمادی رونق‌ی از خلاف بودگی آن چیزی است که تغییر زیست جهان ایرانی به نفع سکولاریسم می‌خواهند. با شروع دانشگاه‌های این موج توفنده‌تر از قبل حرکت خواهد کرد. می‌بینیم که دانشگاه زنده است اما نه به آن سبب‌هایی که انگاره‌های هرج‌ومرج طلب چپ و راست تصویرسازی می‌کنند.

۷- دانشگاه باید مدار آزاد فکری، پذیرش تکرار، طرح و آگوهی‌های انتقادی متعهدانه باشد، رهبر انقلاب سال‌هاست این مطالبه را از دانشگاه داشته‌اند و این یک دین بزرگ بر گردن دانشگاه در قبال مردم و رهبر انقلاب است که باید در سال جدید گام‌های مؤثری برای ادای آن برداشته شود.